



بله، درست خواندید.
 «آقا امروز خیلی خوش تیپ شدید!»
 «آقا عطر امروزتان مثل قبلی‌ها خوب نیست!»
 شما تا به حال این جمله‌ها را در کلاس درس شنیده‌اید؟
 این‌ها حرف‌های دانش‌آموزانم است که بی‌هوا و بدون تعارف به من می‌زنند. به جز این بازخورد مستقیم، آخر ترم در کلاس‌هایم نظرسنجی می‌کنم و برای اینکه نظرها واقعی باشند، به دانش‌آموزانم می‌گویم لازم نیست اسمتان را بنویسید.
 در یکی از این نظرسنجی‌ها از دانش‌آموزان پایه‌ی سوم، از آن‌ها خواسته بودم نظرشان را به صورت کلی در مورد من بنویسند. نکته‌ای که خیلی به آن اشاره شده بود، مسائل ظاهری بود. از رنگ لباس و مدل مو گرفته تا اینکه فلان روز عطرتان خیلی خوش‌بو بود، مدل عینکتان را دوست داریم یا از اینکه موقع نوشتن روی تخته، آستین‌هایتان را بالا می‌زنید، خوشمان نمی‌آید.

باید! پرستی خوش‌روما، آقا!

معلم‌ها
 در مدرسه بیشترین تأثیر را روی دانش‌آموزان دارند. این تأثیرگذاری به عوامل متعددی بستگی دارد، از جمله: «برخوردهای معلم، نوع گویش و بیان، مهربان بودن، صمیمی بودن، کم‌سن‌تر بودن در دوره‌ی دبستان و باتجربه‌تر بودن در دوره‌ی دبیرستان، میزان سختگیری و نوع پوشش.»

رضا اقتصادی

بچه‌ها نسبت به نوع نشستن من روی صندلی هم واکنش نشان می‌دهند.

توجه به ظواهر معلم به پوشش او محدود نمی‌شود. ماشین، عطر و نوع گوشی موبایل هم از مواردی هستند که بچه‌ها به آن‌ها دقت می‌کنند. بچه‌ها می‌گویند: «فلان معلم پولدار است، چون موبایلش گران قیمت است!»

بعضی‌ها از خودشان صدا درمی‌آورند و بعضی‌ها بیچ می‌کنند. یکی هم به بغل دستی‌اش اشاره می‌کند که: «امروز چه بداخلاق است!» هر کس به شیوهی خودش نسبت به ظاهر معلم واکنش نشان می‌دهد. در این بین، بعضی از دانش‌آموزان هیچ نظری نمی‌دهند. البته آن‌ها هم دقت می‌کنند، اما حرفی نمی‌زنند.

==

==

د ر

دبستان بچه‌ها معلم جوان و بداخلاق را به معلم سن‌دارتر ولی خوش‌اخلاق ترجیح می‌دهند. چون با معلم جوان راحت‌تر دوست می‌شوند و می‌توانند حرف‌هایشان را بزنند، اما با معلم مسن‌تر رودربایستی دارند. این قضیه در دبیرستان برعکس است. در دوران دبیرستان، معلمی داشتم که رتبه‌ی چهار دانشگاه شریف بود و با اینکه سطح علمی بالایی داشت، اما چون فقط ده سال از ما بزرگ‌تر بود، می‌گفتیم بچه است. برای ایشان هم سخت بود ارتباط موفقی با ما برقرار کند.

یکی از موارد ظاهری در مورد معلم‌ها که در قضاوت بچه‌ها تأثیر دارد، خط است. من خط فوق‌العاده‌ای ندارم، اما در ابتدای سال وقتی می‌خواهم اولین جمله‌ها را روی تخته بنویسم، سعی می‌کنم خطم بهترین حالت را داشته باشد.

یادم می‌آید، قبل از اربعین ریش گذاشته بودم. بعد از اربعین که به کلاس رفتم، صورتم را اصلاح کرده بودم. از بچه‌ها پرسیدم: با ریش یا بی‌ریش؟ نتیجه‌ی نظرسنجی مساوی بود. این نشان می‌دهد ملاک‌های بچه‌ها به بزرگ‌سالان نزدیک شده است.

بعضی روزها پیش می‌آید که حوصله نداشته‌ام، طوری که صبح از خواب بیدار شده و فقط لباس پوشیده و به مدرسه رفته‌ام. با اینکه در این روز لباس روشن هم پوشیده‌ام، بچه‌ها فهمیده‌اند مرتب نیستم. از طرف دیگر، در مناسبت‌های مذهبی لباس تیره می‌پوشم، اما با وضعیت آراسته به کلاس می‌روم. این روزها بچه‌ها کاملاً تشخیص می‌دهند که پوشش مناسبی دارم. پس می‌توان گفت، معیار بچه‌ها برای خوش تیپ بودن رنگ نیست. با وجود این، من به جز ایام خاص، لباس‌های تیره نمی‌پوشم.